

## تأثیر کارآفرینی بر توسعه بخش بانکی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته

ابوالفضل شاه‌آبادی\*

علی مرادی\*\*

محمد رضا رهواردارزاده\*\*\*

DOI: 10.22096/esp.2020.43398

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۵

### چکیده

کارآفرینی با بسط فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند تقاضا برای خدمات بخش بانکی را افزایش دهد و به توسعه بخش بانکی کمک نماید. به همین دلیل، تحقیق حاضر کوشیده است تأثیر گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه را بر توسعه بخش بانکی در دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه توسعه عضو سازمان همکاری اسلامی (گروه نمونه) و کشورهای منتخب توسعه یافته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (گروه کنترل) بررسی کند. برای این منظور، مدل تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم یافته به تفکیک دو گروه از کشورهای یادشده برای دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۴ برآورد گردید. نتایج نشان داد تأثیر گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است؛ با این تفاوت که ضریب تخمینی آنها در کشورهای منتخب توسعه یافته بزرگ‌تر است. همچنین، تأثیر متغیرهای کنترلی حاکمیت قانون بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار و تأثیر تورم و اندازه دولت بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است.

**واژگان کلیدی:** توسعه بخش بانکی؛ کارآفرینی؛ حاکمیت قانون؛ تورم؛ اندازه دولت.

طبقه‌بندی موضوعی: C33, L26, O40.

\* استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران. Email: ali.artiman.moradi@gmail.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: m.rahwar@yahoo.com



## ۱. مقدمه

اقتصاد هر کشوری از دو بخش واقعی و مالی تشکیل شده است. بخش واقعی به تولید کالاها و خدمات دلالت دارد و کلیه متغیرهای اساسی حساب‌های ملی نظیر مصرف و سرمایه‌گذاری را دربرمی‌گیرد. بخش مالی نیز دربرگیرنده نهادها و ابزارهای متعدد مالی مورد استفاده در بازارهای مالی برای تجمع منابع پس‌اندازی و تخصیص آن به فعالیت‌های اقتصادی است.<sup>۱</sup> در ادبیات اقتصادی از این دو بخش تحت عنوان دو بال پرنده یاد شده که بدون وجود هر یک، امکان نیل به رشد و توسعه اقتصادی میسر نیست. شواهد تجربی نیز مؤید همین موضوع است و کمتر کشور توسعه‌یافته‌ای وجود دارد که از توسعه هم‌زمان این دو بخش بهره‌مند نشده باشد. البته، توسعه مالی خود شامل توسعه بخش بانکی و غیربانکی است که تحقیق حاضر بر توسعه بخش بانکی تمرکز نموده است. زیرا، بانک‌محور<sup>۲</sup> بودن نظام تأمین مالی کشورهای درحال توسعه سبب شده تا این بخش نقش مهم‌تری از بخش غیربانکی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی آنها ایفا کند. بر این اساس، توسعه بخش بانکی با تجمع منابع پس‌اندازی موجود در جامعه و هدایت و تخصیص بهینه آنها به نیازهای سرمایه‌گذاری می‌تواند مسیر نیل به رشد و توسعه اقتصادی را هموارتر سازد. (دیدگاه رهبری عرضه)

از سویی، براساس دیدگاه رهبری تقاضا، رشد فعالیت‌های اقتصادی به افزایش تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی دامن زده و سبب توسعه این بخش می‌شود. به پیروی از همین دیدگاه و ملهم از نظریات اقتصاددانانی چون رابینسون (1952)<sup>۳</sup> و یانگ (1986)<sup>۴</sup> می‌توان گفت کارآفرینی نیز بر توسعه بخش بانکی تأثیر دارد. زیرا، توسعه کارآفرینی با کمک به شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید، تقاضا برای خدمات و تسهیلات بانکی به منظور تأمین مالی فعالیت‌های کارآفرینی و انجام معاملات مالی این حوزه را افزایش داده و موجبات توسعه بخش بانکی را فراهم می‌کند. همچنین، توسعه کارآفرینی از کانال فشارهای هزینه‌ای و وقوع هزینه‌های قبل از درآمد، تقاضا برای اعتبارات بانکی را افزایش و

۱. علی حسن‌زاده و مهدی کاظم‌نژاد، «مروری بر نقش بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران و برخی از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته»، فصلنامه صنعت بیمه ۱، شماره ۱ (۱۳۸۷): ۲۳۱.

2. Bank-Based  
3. Robinson  
4. Jung

اجابت این تقاضاها سبب بسط فعالیت‌های تولیدی و افزایش درآمد آحاد جامعه شده و در نهایت به رشد سپرده‌گذاری در بخش بانکی، بسط عرضه منابع بانکی و افزایش توسعه مالی این بخش منجر می‌شود. افزون بر این، توسعه کارآفرینی با افزایش بهره‌وری و رشد درآمد نیروی کار، تقاضا برای خدمات پیچیده‌تر جهت مدیریت ریسک مالی را افزایش می‌دهد<sup>۵</sup> و سبب بروز نوآوری‌های مالی و افزایش کارایی بخش بانکی می‌شود.<sup>۶</sup> البته کسب‌وکارهای کارآفرینانه با ریسک بالا همراه هستند و شکست آنها می‌تواند تسهیلات معوق و مطالبات مشکوک الوصول و لاوصول بانک‌ها را افزایش دهد و مانع از توسعه بخش بانکی شود.<sup>۷</sup>

حال با توجه به این که بررسی تأثیر کارآفرینی بر توسعه بخش بانکی در مطالعات تجربی انجام شده با محوریت تعیین‌کننده‌های توسعه بخش بانکی مغفول مانده؛ تحقیق حاضر سعی نمود این موضوع را با استفاده از داده‌های تابلویی دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه توسعه عضو سازمان همکاری اسلامی و کشورهای منتخب توسعه یافته عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۴ بررسی و تعیین نماید.

به منظور نیل به این هدف، مقاله پیش رو در ادامه چنین سازمان‌دهی شده که ابتدا، ادبیات نظری توسعه مالی بخش بانکی و کارآفرینی بیان شده و آنگاه سازوکار تأثیر کارآفرینی بر توسعه مالی بخش بانکی تبیین گردیده است. سپس، پیشینه تحقیق به تفکیک داخلی و خارجی مرور و جنبه نوآوری تحقیق ذکر شده است. بعد از آن، مدل تحقیق معرفی و روش تخمین آن تشریح گردیده است. در نهایت، مدل تحقیق برآورد و نتایج حاصله تجزیه و تحلیل شده و براساس آن چند توصیه سیاستی پیشنهاد شده است.

## ۲. ادبیات موضوع

در الگوهای رشد از انباشت سرمایه در کنار نیروی کار چونان یکی از دو نهاد اصلی تولید یاد شده که بدون آن، دیگر عوامل تولید نیز بیکار خواهند بود. در نتیجه، اهمیت نقش سرمایه در فرایند تولید

5. Yong Tan, "The impacts of risk and competition on bank profitability in China", *Journal of International Financial Markets* 40, no. C (2016): 89.

۶ فرهاد دژپسند و ریحانه بخارایی، «بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران بر اساس الگوی اقتصاد کلان پسا‌کینزی»، *فصلنامه اقتصاد مالی* ۱۰، شماره ۳۴، (۱۳۹۵): ۶۲.

7. Mohammad Tahseen Sleimi, "Effects of risk management practices on banks' performance: An empirical study of the Jordanian banks", *Management Science Letters* 10, no. 2 (2020): 491.

و لزوم دسترسی آسان و کم‌هزینه به آن باعث شده تا توسعه و پیشرفت بخش بانکی نیز در هر کشور علاقه‌مند به رشد پایدار مهم باشد<sup>۸</sup> و امروزه، توسعه صنعت بانکداری از عوامل اصلی افزایش رشد اقتصادی محسوب می‌شود<sup>۹</sup> زیرا با تجمع منابع پس‌اندازی و هدایت آنها به سمت نیازهای سرمایه‌گذاری، انباشت سرمایه را سرعت می‌بخشد و ظرفیت‌های تولید را ارتقا می‌دهد.<sup>۱۰</sup> همچنین، بخش بانکی با تضمین تأمین نقدینگی پیش‌بینی نشده مورد نیاز بنگاه‌ها و خانوارها، به آنها اجازه می‌دهد حداکثر سرمایه‌گذاری مورد نظر را انجام دهند. به عبارت دیگر، نظام بانکی باعث می‌شود سهم دارایی‌های غیرمولد نقدینه، که تنها به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای نقدینگی نگهداری می‌شوند به حداقل رسیده و از این راه تشکیل سرمایه فیزیکی افزایش یابد.<sup>۱۱</sup> به‌علاوه، بخش بانکی به علت برخورداری از ابزارها و نیروی انسانی متخصص، عملیات جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری را - که برای فعالان اقتصادی ناممکن و پرهزینه است - با توانایی و شایستگی بیشتری انجام می‌دهد و به تخصیص بهینه سرمایه کمک می‌کند.<sup>۱۲</sup>

بنابراین، اهمیت توسعه مالی به‌طور عام و توسعه بخش بانکی به‌طور خاص باعث شده تا برخی اقتصاددانان، تفاوت میان اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را نه در برخورداری از فناوری پیشرفته، بلکه در بهره‌مندی از بخش مالی توسعه‌یافته بدانند.<sup>۱۳</sup> به همین دلیل، ارزیابی سطح توسعه بخش بانکی با استفاده از معیارهای مشروحه زیر و مطالعه تعیین‌کننده‌های آنها و سیاست‌گذاری برای بهبود وضعیت موجود جهت نیل به وضعیت مطلوب به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاددانان در کشورهای مختلف تبدیل شده است.

8. Cristian Paun et al., "The impact of financial sector development and sophistication on sustainable economic growth", *Sustainability* 11, no. 6 (2019): 1.

9. Mohammed Abusharbeh, "The impact of banking sector development on economic growth: empirical analysis from Palestinian economy", *International Journal of Finance & Economics* 6, no. 2 (2017): 2306.

10. Abdulsalam Abubakar & Ibrahim Musa Gani, "Impact of banking sector development on economic growth: Another look at the evidence from Nigeria", *Journal of Business Management & Social Sciences Research* 2, no. 4 (2013): 47.

11. Syed Muhammad Hamza & Khan, "Effect of banking sector performance in economic growth: Case study of Pakistan", *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences* 4, no. 7 (2014): 444.

۱۲. ابوالفضل شاه‌آبادی و حسین محمودی، «بررسی رابطه توسعه واسطه‌های مالی و ارزش افزوده بخش کشاورزی اقتصاد ایران»، *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی* ۲۴، شماره ۴ (۱۳۸۹): ۴۸۹.

۱۳. محمود ختایی و سیدهادی موسوی نیک، «اثر نوسان‌های نرخ ارز بر رشد اقتصادی با توجه به سطح توسعه بازارهای مالی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران* ۱۰، شماره ۳۷ (۱۳۸۷).

- شاخص عمق مالی: این شاخص از نسبت بدهی‌های نقدی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید و بیانگر اندازه واسطه‌های مالی رسمی به فعالیت‌های اقتصادی در سیستم بانکی است.

- شاخص بنیانی توسعه مالی: این شاخص از تقسیم دارایی‌های داخلی بانک‌ها (به جز بانک مرکزی) به کل دارایی بانک‌ها (شامل بانک مرکزی) به دست می‌آید و بیانگر اهمیت نسبی مؤسسات مالی است و بین بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها تمایز قائل می‌شود.

- شاخص ساختاری توسعه مالی: این شاخص از تقسیم تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی به کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها به دست می‌آید و بیانگر نحوه توزیع دارایی‌های داخلی بانک‌ها بین بخش دولتی (دولت مرکزی و شرکت‌های دولتی) و خصوصی است.

- شاخص کارایی توسعه مالی: این شاخص از تقسیم مطالبات مستقیم بخش بانکی از بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید و بیانگر کارایی سیستم بانکی در به‌کارگیری امکانات بخش خصوصی است.

- شاخص ابزاری توسعه مالی: این شاخص از نسبت سپرده‌های بانکی به حجم نقدینگی به دست می‌آید و بیانگر برخورداری از ابزار کافی برای پرداخت تسهیلات به بخش واقعی اقتصاد و هدایت بهینه منابع به سوی تولید است.<sup>۱۴</sup>

از سویی، امروزه، کارآفرینی<sup>۱۵</sup> به‌مثابه فرایندی که طی آن فرد یا گروهی از افراد به صورت سازمان‌دهی شده می‌کوشند با شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و انجام ابداع و نوآوری، خلق ارزش نموده و نیازهای بشر را مرتفع نمایند.<sup>۱۶</sup> یکی از موتورهای محرکه رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود<sup>۱۷</sup> اما سیر تاریخی مفهوم کارآفرینی نشان می‌دهد در تعاریف اولیه از کارآفرینی از آن به‌عنوان یک نگرش و رفتار فردی یاد شده است. لیکن، تجربه نشان داد برخورداری از روحیه و انگیزه کارآفرینی صرف در افراد برای توسعه کارآفرینی در یک جامعه کافی

۱۴. یدالله دادگر و روح‌الله نظری، «ارزیابی شاخص‌های توسعه مالی در ایران»، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸، ۱۸.

15. Entrepreneurship

۱۶. محمود احمدپور داریانی، کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها (تهران: نشر جاجرمی ۱۳۸۷).

17. Justin Doran, Noirin McCarthy, & Marie O'Connor, "The role of entrepreneurship in stimulating economic growth in developed and developing countries", *Cogent Economics & Finance* 6, no. 1 (2018): 1.

نیست، بلکه توسعه کارآفرینی به زمینه‌ای که کارآفرین در آن فعالیت می‌کند (شامل اجتماع، محیط نهادی و محیط فیزیکی) نیز وابستگی شدیدی دارد.<sup>۱۸</sup> بنابراین، پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی به این اجماع رسیده‌اند که توسعه کارآفرینی بیش از نیاز به وجود تعداد زیاد افراد کارآفرین (به معنای کسب‌وکار جدید یا خوداشتغالی) به فضای خوب و کیفی کارآفرینی نیاز دارد.<sup>۱۹</sup> و در این راستا، شاخص جهانی کارآفرینی با تعریف سه شاخص اصلی گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه مشتمل بر ۱۴ رکن و هر رکن شامل دو متغیر فردی و نهادی، تلاش کرده فضای کارآفرینی را در کشورهای مختلف به شرح زیر ارزیابی و اندازه‌گیری کند.

۱. گرایش کارآفرینانه:<sup>۲۰</sup> دیدگاه عموم مردم یک کشور نسبت به کارآفرینی را با استفاده از ارکان زیر اندازه‌گیری می‌کند:

- درک فرصت:<sup>۲۱</sup> این رکن، قابلیت درک فرصت‌های خوب برای شروع یک کسب‌وکار را با استفاده از متغیر فردی «درک فرصت» و متغیر نهادی «تراکم بازار» اندازه‌گیری می‌کند.

- مهارت کسب‌وکارهای نوپا:<sup>۲۲</sup> این رکن، درصد جمعیت دارای مهارت‌های لازم برای شروع یک کسب‌وکار را با استفاده از متغیر فردی «درک مهارت» و متغیر نهادی «آموزش عالی» اندازه‌گیری می‌کند.

- پذیرش ریسک:<sup>۲۳</sup> ترس از شکست تولد کارآفرینی را به تأخیر می‌اندازد؛ از این رو، این رکن میزان پذیرش ریسک را با استفاده از متغیر فردی «پذیرش ریسک» و متغیر نهادی «ریسک کسب‌وکار» اندازه‌گیری می‌کند.

- شبکه‌سازی:<sup>۲۴</sup> این رکن، شبکه شخصی کارآفرینان و توانایی آنان در استفاده از اینترنت برای اهداف کسب‌وکار را با استفاده از متغیر فردی «پیوند با کارآفرینان» و متغیر نهادی «کار با اینترنت» اندازه‌گیری می‌کند.

---

18. Castaño et al, 2015: 1496

19. Wynn & Jones, 2019: 8

20. Entrepreneurial Attitudes

21. Opportunity Perception

22. Startup Skills

23. Risk Acceptance

24. Networking

- پشتیبانی فرهنگی:<sup>۲۵</sup> این رکن، نگاه جمعیت یک کشور به کارآفرینی را با استفاده از متغیر فردی «باور به مسیر کارآفرینی» و متغیر نهادی «فساد» اندازه‌گیری می‌کند.
۲. توانایی کارآفرینانه:<sup>۲۶</sup> برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های کارآفرینی و بنگاه‌های نوپای با پتانسیل رشد بالا را با استفاده از ارکان زیر اندازه‌گیری می‌کند:
- کسب‌وکار نوپا مبتنی بر فرصت:<sup>۲۷</sup> این رکن، کارآفرینان مبتنی بر فرصت را در مقایسه با کارآفرینان اجباری (بیکار) با استفاده از متغیر فردی «انگیزه فرصت» و متغیر نهادی «آزادی کسب‌وکار»<sup>۲۸</sup> اندازه‌گیری می‌کند.
- جذب فناوری:<sup>۲۹</sup> این رکن، ظرفیت جذب فناوری در بنگاه‌های اقتصادی را با استفاده از متغیر فردی «فعالیت بخش فناوری» و متغیر نهادی «جذب فناوری» اندازه‌گیری می‌کند.
- سرمایه انسانی:<sup>۳۰</sup> این رکن، دسترسی به سرمایه انسانی ماهر در شرکت‌های ریسک‌پذیر و نوآور را با استفاده از متغیر فردی «کسب‌وکار نوپا توسط دانش‌آموختگان» و متغیر نهادی «آموزش کارکنان» اندازه‌گیری می‌کند.
- رقابت:<sup>۳۱</sup> این رکن، میزان یگانگی محصول یا کسب‌وکار را با استفاده از متغیر فردی «رقابت در بازار» و متغیر نهادی «غلبه بازار» اندازه‌گیری می‌کند.
- ۳- اشتیاق کارآفرینانه:<sup>۳۲</sup> تلاش کارآفرینان نوپا برای ایجاد شرکت جدید با توان تولید ثروت و رشد بالا را با استفاده از ارکان زیر اندازه‌گیری می‌کند:
- نوآوری محصول:<sup>۳۳</sup> این رکن، پتانسیل تولید محصولات جدید و تطبیق و تقلید از محصولات موجود را با استفاده از متغیر فردی «محصول جدید» و متغیر نهادی «انتقال فناوری» اندازه‌گیری می‌کند.

- 
25. Cultural Support
  26. Entrepreneurial Abilities
  27. Opportunity Startup
  28. Business Freedom
  29. Technology Absorption
  30. Human Capital
  31. Competition
  32. Entrepreneurial Aspirations
  33. Product Innovation

- نوآوری فرآیند:<sup>۳۴</sup> این رکن، به‌کارگیری و ایجاد فناوری نوین را با استفاده از متغیر فردی «فناوری جدید» و متغیر نهادی «هزینه‌های ناخالص تحقیق و توسعه» اندازه‌گیری می‌کند.
- رشد بالا:<sup>۳۵</sup> این رکن، کسب‌وکارهای با رشد بالا را با استفاده از متغیر فردی «کسب-وکارهای پررشد» و متغیر نهادی «پیچیدگی استراتژی کسب‌وکار» اندازه‌گیری می‌کند.
- بین‌المللی‌سازی:<sup>۳۶</sup> این رکن، میزان برخورداری از قابلیت‌هایی فراتر از قابلیت‌های تولید برای بازار داخلی را با استفاده از متغیر فردی «جهت‌گیری صادراتی» و متغیر نهادی «جهانی‌سازی» اندازه‌گیری می‌کند.
- سرمایه ریسک‌پذیر:<sup>۳۷</sup> قابلیت دسترسی به سرمایه ریسک‌پذیر را با استفاده از متغیر فردی «سرمایه‌گذاری غیررسمی» و متغیر نهادی «عمق بازار سرمایه» اندازه‌گیری می‌کند.<sup>۳۸</sup>
- ضمناً، باید گفت که طراحی شاخص جهانی کارآفرینی به‌گونه‌ای انجام شده که عناصر زیرمجموعه هر شاخص اصلی بر عناصر زیرمجموعه دو شاخص دیگر تأثیر می‌گذارد که نشان‌دهنده ماهیت باز و قابل بحث کارآفرینی است. با این توضیحات، سازوکار تأثیر سه شاخص گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌گردد:
- بهبود مؤلفه‌های مورد استفاده برای ارزیابی گرایش کارآفرینانه شامل درک فرصت‌های کسب‌وکار، مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار، ریسک‌پذیری بیشتر افراد، توانایی استفاده از اینترنت، باور به کارآفرینی به مثابه یک انتخاب شغلی مناسب با تغییر دیدگاه عموم مردم یک کشور نسبت به کارآفرینی و افزایش تمایل به ایجاد کسب‌وکارهای جدید سبب افزایش تولید کالاها و خدمات و بسط فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در نتیجه، تقاضا برای دریافت تسهیلات جهت تأمین مالی فعالیت‌های جدید افزایش یافته و افزون بر آن، ایجاد کسب‌وکارهای جدید به افزایش مبادلات مالی از طریق شبکه بانکی می‌انجامد. از این رو، بخش بانکی به‌منظور پاسخگویی سریع، آسان و کم‌هزینه به تقاضاهای روزافزون ناشی از بهبود گرایش کارآفرینانه به سوی ارائه تسهیلات و خدمات مالی مبتنی بر روش‌ها و ابزارهای نوین و پیشرفته سوق داده می‌شود.

34. Process Innovation

35. High Growth

36. Internationalization

37. Risk Capital

38. Global Entrepreneurship Index Methodology 2017



همچنین، بهبود مؤلفه‌های مورد استفاده برای ارزیابی توانایی کارآفرینانه شامل کسب‌وکار نوپا مبتنی بر فرصت، جذب فناوری، سرمایه انسانی و رقابت به ایجاد بنگاه‌های نوپا، با پتانسیل رشد بالا، پیشرو در ابداع شیوه‌های تولید و دارای قدرت جذب بالا منجر می‌گردد و با افزایش تقاضای دریافت تسهیلات و خدمات مالی توسط این بنگاه‌ها و اجابت تقاضای آنها توسط بخش بانکی، منابع مالی در اختیار بانک‌ها به بهره‌ورترین صنایع تخصیص داده می‌شود که می‌تواند به افزایش سودآوری بخش بانکی و کاهش مطالبات معوق نظام بانکی ناشی از واگذاری اعتبارات به بنگاه‌های زیان ده یا کم بازده کمک نماید.

همچنین، بهبود مؤلفه‌های مورد استفاده برای ارزیابی اشتیاق کارآفرینانه شامل نوآوری محصول، نوآوری فرایند، بین‌المللی‌سازی و قابلیت دسترسی به سرمایه ریسک‌پذیر با جلوگیری از انحراف منابع به‌ویژه منابع انسانی به سمت فعالیت‌های غیرمولد و زیرزمینی و همچنین، افزایش اشتیاق به فعالیت در بخش رسمی، مولد و نوآورانه سبب رشد نیازهای مالی جدید می‌شود. در نتیجه، بانک‌ها با هدف کسب سهم بیشتر از بازار مالی به ارائه طرح‌ها و خدمات جدید روی می‌آورند و این منجر به توسعه کمی و کیفی بخش بانکی می‌شود.

بنابراین، در یک جمع‌بندی باید گفت بهبود گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینی از یک سو سبب بسط فعالیت‌های اقتصادی، رشد درآمد سرانه، افزایش سپرده‌گذاری و تقویت منابع مالی در اختیار بخش بانکی می‌شود؛ از سوی دیگر تقاضا برای خدمات و تسهیلات بخش بانکی را بیشتر نموده و نوآوری در این بخش را افزایش می‌دهد که برآیند آنها توسعه کیفی و کمی بخش بانکی است.<sup>۳۹</sup> البته، رشد بنگاه‌های جدید با ریسک بالا می‌تواند به افزایش تسهیلات معوق و مطالبات مشکوک الوصول و لاوصول بانک‌ها منجر شود و مانع از توسعه بخش بانکی شود.<sup>۴۰</sup>

### ۳. پیشینه پژوهش

جست‌وجوی نگارندگان تحقیق حاضر نشان داد بررسی تجربی دیدگاه رهبری عرضه یا تأثیر توسعه بخش بانکی بر کارآفرینی در داخل و خارج از کشور موضوع مطالعات زیادی از جمله (Bayar et al, 2018)، (Wujung & Fonchamnyo, 2016)، دهمرده و براهویی (۱۳۹۴)،

39. See: Doran et al, 2018:1-14

40. Mohammad Tahseen Sleimi, "Effects of risk ", 491.

شکوهی (۱۳۹۲) و کریمی تکانلو (۱۳۹۲) بوده است. اما از آنجاکه تحقیق پیش رو با هدف تحلیل تجربی دیدگاه رهبری تقاضا انجام شده و بر توسعه بخش بانکی به عنوان متغیر وابسته تمرکز دارد، از مرور این دسته از مطالعات صرف‌نظر کرده است.

دسته دیگر مطالعاتی‌اند که تأثیر کارآفرینی درون‌سازمانی بر عملکرد بانکی را با استفاده از داده‌های اولیه و در سطح خرد بررسی کرده‌اند؛ از جمله (Nazar et al, 2018) که رابطه بین جهت‌گیری کارآفرینی و عملکرد بخش بانکی در پاکستان را با رویکرد قیاسی و استفاده از پرسشنامه ساختارمند به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی کرده و نتیجه گرفته که بین جهت‌گیری کارآفرینی و عملکرد بخش بانکی در پاکستان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، حجازی و حسینی مقدم (۱۳۹۲) که به روش تحلیل عاملی و تحلیل مسیر و توزیع پرسشنامه بین مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی استان گیلان، تأثیر گرایش کارآفرینی بر عملکرد بانک‌ها را با لحاظ نقش میانجی بازارگرایی بررسی نموده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که بین گرایش کارآفرینی و عملکرد بانک‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم (از کانال بازارگرایی) رابطه معناداری وجود دارد.

دسته سوم مطالعات متعددی هستند که رابطه دوطرفه رشد اقتصادی و توسعه بخش بانکی را بررسی کرده‌اند؛ از جمله حسینی و همکاران (۱۳۹۲) که با انجام آزمون علیت گرنجر رابطه کوتاه‌مدت توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران را طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۶۷ بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند میان رشد اقتصادی و اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی و تعریف گسترده پول رابطه علیت دوسویه وجود دارد. همچنین، (Touny, 2014) که اثر رشد اقتصادی بر اعتبارات واگذاری به بخش خصوصی به عنوان جایگزین توسعه بخش بانکی را در دو کشور مصر و عربستان سعودی بررسی نموده و دریافت که رشد اقتصادی بر توسعه بخش بانکی در بلندمدت تأثیر منفی دارد.

دسته چهارم مطالعاتی‌اند که تأثیر عواملی غیر از رشد اقتصادی و کارآفرینی بر توسعه بخش بانکی را بررسی کرده‌اند؛ از جمله (Aluko & Ajayi, 2018) که تعیین‌کننده‌های توسعه بخش بانکی در ۲۵ کشور منطقه آفریقای جنوبی (SADC) را طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۷ بررسی و نتیجه گرفته‌اند تراکم جمعیت، کیفیت نهادی، بازبودن تجاری و مالی بر توسعه بخش بانکی تأثیر مثبت دارند. اما، آزادسازی مالی بر توسعه بخش بانکی تأثیر منفی دارد. (Tsaourai, 2018) نیز تعیین‌کننده‌های توسعه بخش بانکی در کشورهای منطقه آفریقای جنوبی را طی دوره

۲۰۱۴-۱۹۹۴ برآورد کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که وقفه توسعه بخش بانکی، تولید ناخالص داخلی و تورم بر توسعه بخش بانکی تأثیر مثبت دارد. اما، بازبودن تجاری، مخارج مصرفی دولت و بیکاری بر توسعه بخش بانکی تأثیر منفی دارند. همچنین علیمی (2014)<sup>۴۲</sup> تأثیر تورم بر توسعه بخش بانکی در نیجریه را طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۷۰ بررسی و نتیجه گرفته که تورم بر توسعه بخش بانکی تأثیر منفی و معناداری دارد. از مطالعات داخلی نیز به جعفری و همکاران (۱۳۹۸)، سینا و نادری (۱۳۹۷)، عاقلی و همکاران (۱۳۹۶)، خدایپرست مشهدی و همکاران (۱۳۹۵)، نانفروش و دیزجی (۱۳۹۵) و شاه‌آبادی و داوری کیش (۱۳۹۴) می‌توان اشاره کرد که به ترتیب جذب سرریز دانش، رمیتانس<sup>۴۳</sup>، هزینه مبادله، کیفیت نهادی، اندازه دولت و بازبودن تجاری و آزادی اقتصادی را بر توسعه بخش بانکی بررسی کرده‌اند و نتایج مطالعات آنان نشان داد جذب سرریز دانش، رمیتانس، کیفیت نهادی، بازبودن تجاری و آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی اثر مثبت و معنادار و هزینه مبادله، اندازه دولت بر توسعه مالی اثر منفی و معناداری دارند.

بنابراین، با مرور چهار دسته مطالعات انجام‌شده چنین به نظر می‌رسد که بررسی تأثیر فضای کارآفرینی شامل گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینی بر توسعه بخش بانکی، با رویکرد کلان و استفاده از داده‌های ثانویه در قالب یک مطالعه بین‌کشوری علی‌رغم اهمیت و ضرورت آن سابقه ندارد.

#### ۴. شواهد آماری

توسعه مالی بخش بانکی متغیر وابسته تحقیق است که به صورت دسترسی آسان و ارزان قیمت آحاد جامعه به ابزارها و خدمات مالی بخش بانکی تعریف شده<sup>۴۴</sup> و در این تحقیق از شاخص کارایی توسعه مالی یعنی نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان جایگزین آن استفاده شده که میانگین آن برای کشورهای منتخب در دوره مورد مطالعه به شرح جدول ۱ است. بر اساس ارقام موجود، مالزی و سیرالئون در گروه کشورهای درحال توسعه و آمریکا و مکزیک در گروه کشورهای توسعه‌یافته به ترتیب بیشترین و کمترین توسعه‌یافتگی مالی بخش بانکی را تجربه کرده‌اند. ضمناً میانگین شاخص توسعه بخش بانکی در مجموعه کشورهای منتخب درحال توسعه ۴۵/۵ و در مجموعه کشورهای توسعه‌یافته ۹۶/۵ است که از توسعه‌یافتگی به‌مراتب بیشتر بخش بانکی در کشورهای توسعه‌یافته حکایت دارد.

42. Alimi

۴۳. دریافتی‌های که مهاجران برای خویشاوندان، دوستان و آشنایان خود در کشور مبدأ ارسال می‌کنند.

44. Levine et al, 2000: 34

جدول ۴-۱: میانگین توسعه مالی بخش بانکی در کشورهای منتخب (۲۰۱۸-۲۰۱۴)

رتبه	توسعه مالی	کشورهای توسعه یافته	رتبه	توسعه مالی	کشورهای در حال توسعه
۲۱	۷۷/۹	آلمان	۱۷	۳۷/۰	آلبانی
۱	۱۹۱/۰	آمریکا	۷	۷۳/۱	اردن
۲۰	۸۵/۴	اتریش	۲۵	۲۱/۹	الجزایر
۱۰	۱۱۶/۵	اسپانیا	۶	۶,۷۶	امارات متحده عربی
۷	۱۳۷/۲	استرالیا	۱۶	۳۸/۴	اندونزی
۲۷	۵۲/۶	استونی	۲۹	۱۵/۳	اوگاندا
۲۶	۵۵/۰	اسلواکی	۱۲	۶۲/۸	ایران
۳۰	۴۹/۰	اسلونی	۵	۷۸/۶	بحرین
۸	۱۳۵/۲	انگلستان	۲۸	۱۵/۹	بروندی
۱۹	۸۶/۰	ایتالیا	۱۵	۴۵/۳	بنگلادش
۱۸	۹۰/۹	ایسلند	۲۶	۲۱/۲	بنین
۲۵	۵۶/۵	ایرلند	۲۳	۲۷/۷	بورکینافاسو
۲۳	۶۲/۷	بلژیک	۲۷	۱۶/۱	پاکستان
۱۱	۱۱۶/۳	پرتغال	۱۰	۶۶/۸	ترکیه
۲۹	۵۰/۶	چک	۴	۸۱/۰	تونس
۳	۱۶۹/۹	دانمارک	۳۳	۹/۱	چاد
۲۲	۶۶/۰	رژیم اشغالگر قدس	۱۸	۳۳/۸	سنگال
۴	۱۶۱/۹	ژاپن	۲۰	۳۲/۲	سورینام
۹	۱۳۰/۲	سوئد	۳۴	۵/۳	سیرالئون
۲	۱۷۳/۱	سوئیس	۱۳	۵۲/۲	عربستان سعودی
۱۳	۱۱۰/۳	شیلی	۸	۶۹/۸	عمان
۱۶	۹۷/۱	فرانسه	۱۹	۳۳/۷	قزاقستان
۱۷	۹۴/۵	فنلاند	۹	۶۸/۰	قطر
۵	۱۴۱/۵	کره جنوبی	۳۰	۱۴/۹	کامرون
۲۴	۵۷/۰	لتونی	۳	۹۲/۳	کویت
۱۵	۹۸/۴	لوکزامبورگ	۳۲	۱۳/۳	گابن
۲۸	۵۲/۳	لهستان	۱۴	۴۶/۸	گویان
۳۲	۳۴/۳	لیتوانی	۲	۱۰۴/۶	لبنان
۳۱	۳۶/۵	مجارستان	۱	۱۲۴/۰	مالزی
۳۳	۳۲/۷	مکزیک	۲۴	۲۳/۷	مالی
۶	۱۳۹/۶	نروژ	۱۱	۶۴/۹	مراکش
۱۲	۱۱۴/۷	هلند	۲۲	۲۸/۶	مصر
۱۴	۱۰۹/۶	یونان	۲۱	۳۲/۰	موزامبیک
	۹۶/۵	میانگین گروه	۳۱	۱۴/۷	نیجریه
				۴۵/۵	میانگین گروه

مأخذ: بانک جهانی (www.worldbank.org)

همچنین، شاخص‌های گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه منتشره ذیل شاخص جهانی کارآفرینی متغیرهای توضیحی تحقیق هستند که نمره آنها در بازه ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد و عدد بالاتر به منزله عملکرد بهتر است. میانگین نمره شاخص‌های مذکور در کشورهای منتخب طی دوره مورد مطالعه به شرط جداول ۲ و ۳ است. بر این اساس، در گروه کشورهای در حال توسعه، عربستان سعودی و برونودی به ترتیب بیشترین و کمترین گرایش کارآفرینی، امارات متحده عربی

و چاد به ترتیب بیشترین و کمترین توانایی کارآفرینی و امارات متحده عربی و بنگلادش به ترتیب بیشترین و کمترین اشتیاق کارآفرینی را داشته‌اند. ضمناً میانگین شاخص‌های گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه در مجموعه کشورهای منتخب در حال توسعه به ترتیب ۲۸/۳، ۲۸/۲ و ۲۸/۸ و در مجموعه کشورهای توسعه‌یافته به ترتیب ۵۶/۴، ۵۸/۸ و ۵۹/۵ است که از فضای کارآفرینی به مراتب مطلوب‌تر در کشورهای توسعه‌یافته حکایت دارد که می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در توسعه‌یافتگی بیشتر بخش بانکی این کشورها نسبت به کشورهای در حال توسعه باشد.

جدول ۲: میانگین شاخص‌های کارآفرینی در کشورهای منتخب در حال توسعه (۲۰۱۴-۲۰۱۸)

رتبه	اشتیاق	رتبه	توانایی	رتبه	گرایش	کشور
۱۶	۲۴/۳	۱۲	۲۹/۲	۱۷	۲۷/۳	آلبانی
۱۱	۳۲/۳	۱۴	۲۷/۴	۸	۳۹/۰	اردن
۱۷	۲۳/۳	۱۶	۲۵/۲	۱۲	۳۳/۸	الجزایر
۱	۶۹/۴	۱	۵۵/۱	۳	۵۲/۰	امارات متحده عربی
۲۵	۱۵/۷	۲۵	۲۰/۰	۱۵	۲۸/۹	اندونزی
۳۳	۱۱/۰	۳۳	۱۴/۳	۲۴	۱۷/۴	اوگاندا
۱۸	۲۲/۹	۱۳	۳۷/۹	۱۶	۲۸/۳	ایران
۷	۴۵/۶	۳	۴۷/۸	۴	۴۷/۲	بحرین
۲۹	۱۳/۲	۲۶	۱۹/۹	۳۴	۷/۰	بروندی
۳۴	۸/۷	۳۱	۱۸/۷	۲۹	۱۳/۱	بنگلادش
۲۸	۱۳/۴	۲۷	۱۹/۶	۲۵	۱۷/۱	بنین
۲۷	۱۴/۳	۲۸	۱۹/۳	۳۰	۱۳/۱	بورکینافاسو
۱۹	۲۲/۷	۳۲	۱۶/۲	۲۷	۱۴/۱	پاکستان
۲	۵۹/۵	۶	۴۲/۵	۷	۴۴/۵	ترکیه
۸	۳۸/۱	۸	۴۰/۱	۱۱	۳۶/۵	تونس
۳۱	۱۲/۷	۳۴	۱۳/۲	۳۳	۷/۲	چاد
۲۱	۲۰/۹	۲۳	۲۰/۴	۲۰	۲۴/۶	سنگال
۳۲	۱۱/۱	۱۸	۲۲/۷	۲۲	۲۲/۸	سورینام
۲۶	۱۵/۱	۲۹	۱۹/۰	۳۲	۱۰/۶	سیرالئون
۶	۴۵/۶	۹	۳۸/۴	۱	۵۵/۸	عربستان سعودی
۴	۴۷/۵	۴	۴۵/۳	۵	۴۵/۰	عمان
۱۵	۲۷/۶	۱۰	۳۲/۹	۱۴	۳۲/۲	قزاقستان
۳	۵۷/۳	۲	۵۴/۰	۲	۵۲/۷	قطر
۲۴	۱۶/۸	۳۰	۱۸/۸	۲۳	۱۷/۶	کامرون
۵	۴۶/۵	۵	۴۲/۷	۶	۴۴/۷	کویت
۱۴	۲۸/۶	۱۵	۲۶/۸	۲۱	۲۳/۸	گابن
۳۰	۱۳/۱	۱۹	۲۱/۷	۲۶	۱۶/۵	گویان
۹	۳۰/۵	۱۱	۳۱/۳	۹	۳۸/۹	لبنان
۱۳	۲۹/۰	۷	۴۰/۳	۱۰	۳۸/۱	مالزی
۲۲	۱۸/۹	۲۲	۲۰/۹	۳۱	۱۳/۱	مالی
۱۲	۳۰/۷	۲۰	۲۱/۲	۱۳	۳۲/۷	مراکش
۱۰	۳۲/۵	۲۴	۲۰/۲	۱۹	۲۵/۴	مصر
۲۳	۱۸/۲	۲۱	۲۱/۱	۲۸	۱۴/۰	موزامبیک
۲۰	۲۲/۱	۱۷	۲۳/۵	۱۸	۲۶/۸	نیجریه
	۲۸/۸		۲۸/۲		۲۸/۳	میانگین گروه

مأخذ: مؤسسه جهانی توسعه کارآفرینی (www.thegedi.org)

همچنین، در گروه کشورهای توسعه‌یافته به‌طور میانگین، آمریکا و ژاپن به‌ترتیب بیشترین و کمترین گرایش کارآفرینی، دانمارک و مکزیک به‌ترتیب بیشترین و کمترین توانایی کارآفرینی و آمریکا و مکزیک به‌ترتیب بیشترین و کمترین اشتیاق کارآفرینی را داشته‌اند.

جدول ۳: میانگین شاخص‌های کارآفرینی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته (۲۰۱۸-۲۰۱۴)

رتبه	اشتیاق	رتبه	توانایی	رتبه	گرایش	کشور
۹	۶۸/۶	۱۰	۶۸/۳	۱۴	۶۰/۱	آلمان
۱	۸۷/۴	۲	۸۲/۰	۱	۸۱/۷	آمریکا
۱۶	۶۱/۵	۱۴	۶۵/۸	۱۲	۶۵/۶	اتریش
۳۱	۴۰/۳	۲۴	۵۰/۴	۱۹	۵۲/۰	اسپانیا
۳	۷۳/۱	۴	۷۸/۲	۲	۷۶/۴	استرالیا
۲۲	۵۶/۳	۱۸	۵۶/۹	۱۷	۵۷/۷	استونی
۲۱	۵۶/۶	۳۱	۳۸/۰	۲۷	۴۱/۰	اسلواکی
۲۵	۵۳/۶	۲۱	۵۲/۹	۲۰	۵۰/۱	اسلوونی
۱۲	۶۶/۰	۳	۷۹/۶	۸	۷۱/۴	انگلستان
۲۷	۵۰/۵	۳۲	۳۵/۸	۳۲	۳۴/۲	ایتالیا
۶	۶۹/۳	۹	۶۹/۵	۲	۷۶/۴	ایسلند
۹	۶۸/۶	۷	۷۵/۰	۱۳	۶۲/۰	ایرلند
۴	۷۰/۰	۱۲	۶۶/۳	۱۶	۵۸/۸	بلژیک
۲۶	۵۱/۷	۲۶	۴۷/۶	۲۳	۴۸/۳	پرتغال
۲۲	۵۶/۳	۲۸	۴۱/۷	۲۹	۳۶/۰	چک
۱۱	۶۸/۵	۱	۸۴/۹	۱۰	۶۸/۵	دانمارک
۶	۶۹/۳	۱۹	۵۴/۶	۱۸	۵۶/۴	رژیم اشغالگر قدس
۱۵	۶۱/۹	۱۶	۵۹/۰	۳۳	۳۱/۶	ژاپن
۶	۶۹/۳	۵	۷۸/۱	۵	۷۴/۷	سوئد
۲	۷۸/۳	۶	۷۷/۳	۱۱	۶۶/۳	سوئیس
۱۹	۵۹/۴	۲۵	۴۹/۴	۷	۷۳/۲	شیلی
۴	۷۰/۰	۸	۷۰/۲	۱۵	۵۹/۶	فرانسه
۱۳	۶۲/۷	۱۷	۵۷/۸	۴	۷۶/۳	فنلاند
۱۸	۵۹/۴	۲۲	۵۰/۸	۲۲	۴۹/۲	کره جنوبی
۲۸	۵۰/۲	۲۲	۵۰/۸	۲۶	۴۲/۷	لتونی
۱۴	۶۲/۰	۱۵	۶۴/۶	۲۴	۴۶/۵	لوکزامبورگ
۲۴	۵۵/۲	۳۰	۴۰/۷	۲۱	۴۹/۴	لهستان
۲۰	۵۹/۴	۲۰	۵۴/۳	۲۵	۴۵/۹	لیتوانی
۳۰	۴۴/۲	۲۹	۴۰/۹	۳۰	۳۵/۳	مجارستان
۳۳	۲۲/۲	۳۳	۲۴/۲	۲۸	۳۶/۳	مکزیک
۲۹	۴۴/۵	۱۳	۶۶/۲	۹	۶۸/۸	نروژ
۱۷	۶۰/۳	۱۱	۶۶/۴	۶	۷۴/۲	هلند
۲۲	۳۹/۵	۲۷	۴۲/۶	۳۱	۳۴/۸	یونان
	۵۹/۵		۵۸/۸		۵۶/۴	میانگین گروه

مأخذ: مؤسسه جهانی توسعه کارآفرینی (www.thegedi.org)

## ۵. روش‌شناسی تحقیق و ارائه مدل

مدل مورد استفاده در این تحقیق از نوع داده‌های تابلویی<sup>۴۵</sup> است که به علت محدود نمودن مشکل ناهمسانی واریانس، کاهش همخطی بین متغیرها، افزایش درجه آزادی نسبت به داده‌های مقطعی<sup>۴۶</sup> و سری زمانی<sup>۴۷</sup> برآورد کاراتری انجام می‌دهد.<sup>۴۸</sup> البته، داده‌های تابلویی خود شامل دو نوع ایستا<sup>۴۹</sup> و پویا<sup>۵۰</sup> است که مدل تحقیق حاضر از نوع پویاست، زیرا وقفه متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در طرف راست معادله ظاهر شده است. با این توضیحات، بیان ریاضی مدل به صورت زیر است:

$$\begin{aligned} \ln(DBS_{it}) = & \beta_0 + \beta_1 \ln DBS_{it-1} + \beta_2 \ln ATT_{it} + \beta_3 \ln ABT_{it} \\ & + \beta_4 \ln ASP_{it} + \beta_5 \ln RL_{it} + \beta_6 \ln INFL_{it} \\ & + \beta_7 \ln GS_{it} + U_{it} \end{aligned} \quad (۱)$$

در رابطه بالا، اندیس t معرف زمان، اندیس i معرف کشورهای منتخب است. DBF<sup>۵۱</sup> توسعه بخش بانکی و متغیر وابسته تحقیق است. DBF<sub>it-1</sub> توسعه بخش بانکی در یک دوره قبل است که در سمت راست معادله ظاهر شده است (متغیر وابسته باوقفه) و در رابطه بالا توسعه بخش بانکی به صورت تابعی از متغیرهای کلیدی و کنترل تعریف شده است. متغیرهای کلیدی که هدف از انجام تحقیق شناسایی اثر آنها بر توسعه بخش بانکی است عبارت‌اند از:

ATT<sup>۵۲</sup>، ABT<sup>۵۳</sup> و ASP<sup>۵۴</sup> به ترتیب گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه است که به پیروی از (Aluko & Ajayi (2018); Tsaurai (2018); Alimi (2014); Touny (2014) و شاه‌آبادی و داوری کیش (۱۳۹۴) انتخاب شده‌اند و برابر سازوکار بیان شده در فصل دوم، انتظار می‌رود بر توسعه بخش بانکی تأثیر مثبت داشته باشند.

- 
45. Panel Data
  46. Cross Section Data
  47. Time Series
  48. Baltaghi, 2005: 488
  49. Static Panel Data
  50. Dynamic Panel Data
  51. Development of Banking Sector
  52. Entrepreneurial Attitudes
  53. Entrepreneurial Abilities
  54. Entrepreneurial Aspirations

اما، توضیح حداکثری رفتار توسعه بخش بانکی ایجاب می‌کند تا دیگر عوامل مؤثر بر آن در مدل تحقیق لحاظ شود. لکن، بسیاری از متغیرهای مؤثر بر توسعه بخش بانکی مانند کنترل فساد، باز بودن تجاری و مالی، جهانی‌شدن و ... در متغیرهای نهادی کارآفرینی مستتر هستند و اجتناب از احتساب مضاعف ایجاب نمود تا از لحاظ آنها در مدل خودداری شود. با توجه به این نکته، برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه بخش بانکی به عنوان متغیر کنترل به شرح زیر در مدل منظور شده‌اند:

RL<sup>۵۵</sup> حاکمیت قانون است و به پیروی از (Aluko & Ajayi (2018) و Cherif & Dreger (2016) انتخاب شده و انتظار می‌رود بر توسعه بخش بانکی تأثیر مثبت داشته باشد، زیرا وضع قوانین و مقررات شفاف و با پایه علمی که متضمن حفاظت از حقوق مالکیت، نظارت بر اجرای قراردادهای مالی و... باشد به توسعه بخش بانکی کمک خواهد نمود. اما از آنجاکه اجرای قانون از وضع قانون مهم‌تر است، در این تحقیق از شاخص حاکمیت قانون به عنوان متغیر مؤثر بر توسعه بخش بانکی استفاده شده است.

INFL<sup>۵۶</sup> تورم است که به پیروی از (Aluko & Ajayi (2018)؛ Alimi و Tsaourai (2018) (2014) انتخاب شده و می‌تواند بر توسعه بخش بانکی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد، زیرا یک سطح آستانه‌ای از تورم وجود دارد که در نرخ تورم پایین‌تر از آن، بین تورم و توسعه بخش بانکی رابطه مثبت و در نرخ تورم بالاتر از آن بین تورم و توسعه بخش بانکی رابطه منفی وجود دارد.

SG<sup>۵۷</sup> اندازه دولت است که به پیروی از (Tsaourai (2018) و Acevesa & Amato (2017) انتخاب شده و انتظار می‌رود بر توسعه بخش بانکی تأثیر منفی داشته باشد. زیرا، نقش دولت در اقتصاد باید به جنبه‌های حاکمیتی مانند وضع قوانین، پاسداری از قوانین و مقررات محدود باشد تا حقوق کلیه فعالان اقتصادی تضمین شود. در غیر این صورت، افزایش اندازه دولت با حضور گسترده دولت در اقتصاد، تصاحب مالکیت بانک‌ها، دخالت در تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، الزام بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تکلیفی به بخش‌های دولتی با نرخ‌های ترجیحی و ... مانع از توسعه بخش بانکی خواهد شد.

55. Rule of Law

56. Inflation

57. Size of Government



ضمناً، داده‌های توسعه بخش بانکی، تورم و اندازه دولت از پایگاه بانک جهانی،<sup>۵۸</sup> داده‌های گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه از پایگاه مؤسسه جهانی توسعه کارآفرینی<sup>۵۹</sup> و داده‌های حاکمیت قانون از پایگاه شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی<sup>۶۰</sup> استخراج شده است.

## ۶. برآورد مدل

قبل از برآورد مدل باید ایستایی متغیرها بررسی شود. زیرا، استفاده از داده‌های نایستا و عدم استقلال میانگین، واریانس و کواریانس متغیرها از زمان می‌تواند به تشکیل رگرسیون کاذب منجر شود. اما، در تحقیق حاضر به علت کمتر از ۱۰ سال بودن دوره زمانی مورد مطالعه، انجام آزمون ریشه واحد و هم‌انباشتگی پانلی ضرورت ندارد. همچنین، از آنجاکه مدل داده‌های تابلویی حاصل ترکیب داده‌های مقاطع مختلف در طول زمان است؛ قابلیت ترکیب این داده‌ها باید بررسی شود که نتایج آزمون F لیمر نشان داد مقادیر F محاسباتی در هر دو حالت تخمین از مقدار جدول بیشتر است. بنابراین، فرضیه  $H_0$  (یکسان بودن عرض از مبدأها) رد و اثرات گروه (تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی) پذیرفته شد. در نهایت، مدل تحقیق به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته در دو حالت برآورد شد و نتایج به شرح جدول ۴ قابل مشاهده است. لازم به ذکر است برای استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته باید تعداد مقاطع (N) از دوره زمانی یا سال‌ها (T) بیشتر باشد که در تحقیق حاضر در هر دو حالت تخمین چنین است. همچنین، برای اطمینان از مناسب بودن روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای برآورد مدل، دو آزمون انجام شده است. نخست، آزمون سارگان که برای اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش از حد یعنی اعتبار صحت متغیرهای ابزاری به کاررفته و فرضیه صفر آن نشان‌دهنده مناسب بودن متغیرهای ابزاری است. مقدار بزرگ‌تر از ۵ درصد احتمال آماره سارگان در حالات مختلف تخمین نشان داد عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص را نمی‌توان رد کرد. لذا، ابزارهای استفاده شده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردارند. دوم، آزمون همبستگی پسماند مرتبه اول  $AR(1)$  و مرتبه دوم  $AR(2)$  است که به زعم (Arellano & Bond, 1991) در تخمین

58. www.worldbank.org

59. www.thegeedi.org

60. Worldwide Governance Indicators

گشتاورهای تعمیم‌یافته، جملات اخلاص باید دارای همبستگی سریالی مرتبه اول و فاقد همبستگی سریالی مرتبه دوم باشند.<sup>۶۱</sup> نتایج نشان داد در هیچ‌یک از حالات تخمین تورش تصریح وجود ندارد. به علاوه، برای بررسی همخوانی داده‌های تجربی و مدل مفهومی، نکویی برازش مدل ارزیابی شد و نتایج نشان داد  $R^2$  و  $R^2$  تعدیل شده نزدیک به ۱ است که به معنای نکویی مدل برازش شده است. البته، علامت متغیرهای مستقل نیز از تطبیق نتایج تخمین با مبانی نظری حکایت دارد.

جدول ۴: نتایج برآورد مدل تحقیق به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

متغیر وابسته: توسعه مالی بخش بانکی	کشورهای در حال توسعه		کشورهای توسعه‌یافته	
	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
متغیرهای توضیحی ▼				
LnDBS (-1)	۰/۵۸*	۶/۵۴	۰/۶۵*	۶/۹۸
LnATT	۰/۱۲**	۴/۸۸	۰/۲۷**	۴/۰۶
LnABT	۰/۱۳**	۴/۹۴	۰/۲۹**	۴/۳۶
LnASP	۰/۲۱**	۴/۷۱	۰/۳۵**	۴/۶۶
LnRL	۰/۴۳*	۵/۹۰	۰/۱۴*	۵/۲۲
LnINFL	-۰/۰۹**	۴/۷۱	-۰/۰۵**	۴/۰۷
LnSG	-۰/۲۷**	۴/۳۴	-۰/۱۳**	۳/۸۷
chi2 (p-value)	۰/۱۶		۰/۱۵	
Sargan Test Statistic	۷/۱۱		۶/۵۴	
AR(1)	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
AR(2)	۰/۸۰۹		۰/۸۲۲	
R <sup>2</sup>	۰/۸۶۳		۰/۸۸۱	
A.R <sup>2</sup>	۰/۸۲۶		۰/۸۳۵	
Number of obs	۱۳۶		۱۳۲	
Number of groups	۳۴		۳۳	
Obs per group	۴		۴	

مأخذ: یافته‌های پژوهش (نشانه‌های \* و \*\* به ترتیب سطوح معناداری ۱٪ و ۵٪ است).

## ۷. تفسیر نتایج

تأثیر گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار است که با نتیجه مطالعات (Tsaurai؛ Aluko & Ajayi (2018)؛ (2018)؛ Alimi (2014)؛ Touny (2014) و شاه‌آبادی و داوری کیش (۱۳۹۴) همخوانی دارد. بر این اساس، بهبود گرایش کارآفرینانه با ایجاد درک مناسب‌تر از فرصت‌های کسب‌وکار، افزایش مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا، ریسک‌پذیری بیشتر، گسترش استفاده از اینترنت و پشتیبانی فرهنگی از کارآفرینی، انگیزه نوآوری و تولید با هزینه کمتر و کیفیت مناسب‌تر را ایجاد نموده و از مسیر کسب‌مزیت رقابتی در بازارهای جهانی و رشد تجارت خارجی و نیز افزایش گرایش به مصرف تولیدات در بازار داخلی به افزایش رشد اقتصادی و رشد تقاضای اخذ تسهیلات جهت توسعه سرمایه‌گذاری انجامیده است. به علاوه، به علت ارتقای سطح برخورداری مردم، سپرده‌گذاری در شبکه بانکی نیز افزایش یافته است. همچنین، فشار به شبکه بانکی برای ارائه خدمات جدید مبتنی بر ابزار و فناوری‌های نوین را در پی داشته که در نهایت برآیند این تأثیرات به توسعه بخش بانکی منجر شده است.

همچنین، بهبود توانایی کارآفرینانه از طریق دسترسی آسان و کم‌هزینه کارآفرینان به سرمایه انسانی ماهر و جذب فناوری پیشرفته، امکان تولید محصولات جدید، یگانه و غیرقابل تقلید را میسر و بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها را فراهم نموده و از طریق رشد اقتصادی و افزایش عرضه و تقاضای خدمات مالی مایه توسعه بخش بانکی شده است.

در نهایت، بهبود اشتیاق کارآفرینانه با افزایش تلاش کارآفرینان جهت ایجاد شرکت‌های جدید و افزایش نوآوری در محصول و نوآوری در فرایند، رشد اندازه کسب‌وکارها و ایجاد صرفه‌های ناشی از مقیاس و بین‌المللی‌سازی باعث افزایش رشد اقتصادی شده و برابر نظریه رهبری تقاضا، درخواست استفاده از تسهیلات بانکی را افزایش داده است.

ضمناً، ضریب تخمینی اشتیاق کارآفرینانه نسبت به دو بعد دیگر کارآفرینی بزرگ‌تر است، زیرا گرایش و توانایی کارآفرینانه ابعاد بالقوه کارآفرینی هستند و در اشتیاق کارآفرینی به فعلیت می‌رسند. از این رو، بهبود اشتیاق کارآفرینانه تأثیر بیشتری بر توسعه بخش بانکی داشته است.

همچنین، ضریب تخمینی ابعاد سه‌گانه بالا در کشورهای منتخب توسعه‌یافته بزرگ‌تر است که از پاسخگویی مناسب‌تر بخش بانکی آنها به تقاضای خدمات مالی از ناحیه کارآفرینان ناشی می‌شود.

تأثیر حاکمیت قانون بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته مثبت و معنادار است که با نتیجه مطالعات (Aluko & Ajayi و Cherif (2016) & Dreger همخوانی دارد، زیرا افزایش حاکمیت قانون از طریق حفاظت از حقوق مالکیت سبب گسترش ابزارهای تضمین وام و سپرده‌گذاری افراد نزد بانک‌ها شده و توسعه بخش بانکی را بهبود بخشیده است. همچنین، وجود نظام قضایی بی‌طرف، با سرعت عمل بالا، قابل دسترس و کم‌هزینه، از طریق رسیدگی عادلانه به شکایات و نظارت بر حسن اجرای قراردادهای بانکی، اعتماد آحاد جامعه به شبکه بانکی را افزایش و به توسعه این بخش کمک نموده است. ضمناً، ضریب تخمینی این متغیر در کشورهای در حال توسعه بزرگ‌تر است که خلاً بیشتر حاکمیت قانون در این کشورها را نشان می‌دهد که بهبود آن واجد اثرگذاری بیشتری بر توسعه بخش بانکی است.

تأثیر تورم بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته منفی و معنادار است که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات (Aluko & Ajayi (2018) و Tsaurai (2018) و Alimi (2014) مطابقت دارد، زیرا تورم در ارتباط با بخش بانکی نشان‌دهنده هزینه فرصت نگهداری پول است و افزایش تورم به خروج منابع پس‌اندازی اشخاص از شبکه بانکی و سرمایه‌گذاری آن در بازارهای رقیب مانند طلا و کالاهای بادوام و... منجر شده و منابع کمتری جهت پرداخت تسهیلات به بخش خصوصی در اختیار بانک‌ها باقی گذاشته است. البته، تأثیر منفی تورم بر توسعه بخش بانکی در کشورهای در حال توسعه بیشتر است. زیرا، اقتصاد کشورهای در حال توسعه بانک‌محور است و بخش عمده پس‌اندازهای مردم نزد بانک‌ها نگهداری می‌شود و عمده تأمین مالی بخش خصوصی نیز توسط بانک‌ها صورت می‌پذیرد. از سویی، کشورهای در حال توسعه نرخ‌های تورم بالاتری تجربه می‌کنند و کوچک‌ترین تغییر در آن بر نگهداری سپرده‌ها نزد بانک‌ها و به تبع آن تسهیلات‌دهی بانک‌ها به بخش خصوصی تأثیر بیشتری دارد.

تأثیر اندازه دولت بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته منفی و معنادار است که با مبانی نظری و نتیجه مطالعات (Tsaurai (2018 و (Acevesa & Amato (2017 مطابقت دارد، زیرا افزایش اندازه دولت به گسترش بانکداری دولتی و اتخاذ سیاست‌های پولی ناکارا منجر شده و با ایجاد و گسترش رانت‌جویی موجب کاهش توسعه بخش بانکی شده است. ضمناً، ضریب تخمینی این متغیر در کشورهای در حال توسعه که کارایی و اثربخشی دولت کمتر است، بزرگ‌تر می‌باشد.

اثر متغیر وابسته باوقفه بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته مثبت و معنادار است که با مبانی نظری نیز همخوانی دارد، زیرا توسعه بخش بانکی مانند بسیاری از متغیرهای اقتصادی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت است و افزایش تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی (صورت کسر شاخص جایگزین توسعه بخش بانکی) در دوره قبل از فراهم بودن شرایط مناسب برای این کار حکایت دارد و سبب افزایش تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی در دوره بعد نیز شده است.

#### ۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تأثیر گرایش، توانایی و اشتیاق کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی در هر دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۸ برآورد گردید که نتایج نشان داد ضریب تخمینی کلیه شاخص‌های فوق مثبت و معنادار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- پیشنهاد در راستای تأثیر مثبت گرایش کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی: با ارائه آموزش‌های رسمی (به‌ویژه در سطح آموزش عالی) و حین کار و گسترش نفوذ اینترنت در جامعه، مهارت تشخیص فرصت‌های کسب‌وکارها در جامعه تقویت شود. همچنین، با ارائه پوشش‌های بیمه‌ای مخصوص کارآفرینان و وضع قوانین حمایتی از آنها، ریسک‌پذیری افراد در تقبل مسئولیت کارآفرینی بهبود یابد تا از مجرای افزایش گرایش به کارآفرینی، سطح اشتغال و درآمد در جامعه افزایش پیدا کند و تقاضای سپرده‌گذاری در شبکه بانکی و به تبع آن قدرت وام‌دهی بانک‌ها تقویت گردد.

- پیشنهاد در راستای تأثیر مثبت توانایی کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی: با پایه‌ریزی نظام آموزشی مبتنی بر تربیت نیروی کار ماهر جهت فعالیت در شرکت‌های ریسک‌پذیر و نوآور، ظرفیت جذب دانش و فناوری پیشرفته و انجام کارهای پیچیده فراهم شود تا ضمن افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید، بخش خصوصی واقعی رشد نماید و به تبع آن، تقاضای سپرده‌گذاری در شبکه بانکی و همچنین قدرت وام‌دهی بانک‌ها تقویت گردد.

پیشنهاد در راستای تأثیر مثبت اشتیاق کارآفرینانه بر توسعه بخش بانکی: با افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه و تأمین امنیت حقوق مالکیت معنوی، زمینه مناسب برای نوآوری در محصول و نوآوری در فرایند فراهم شود تا از مجرای رقابت‌پذیری تولیدات و تجاری‌سازی آنها، تقاضای خدمات بانکی گسترش یابد. افزون بر این، بر اثر توسعه صادرات و رشد مبادلات مالی با جهان خارج و آشنایی شبکه بانکی با تجارب هم‌تایان خارجی و نیز رقابت با آنها، توسعه بخش بانکی بیش‌ازپیش محقق گردد.

## کتابنامه

### کتاب و مقالات

#### ۱. فارسی

- احمدپور داریانی، محمود. کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. تهران: نشر جاجرمی، ۱۳۸۷.
- جعفری، مهدی، ابوالفضل شاه‌آبادی، و راضیه داوری کیش. «تأثیر جذب سرریز دانش بر توسعه بانکی کشورهای منتخب دارای فراوانی منابع طبیعی»، *فصلنامه اقتصاد مقداری* ۱۷، شماره ۱ (۱۳۹۸): ۶۱-۸۴.
- حجازی، سیدرضا، و محمدرضا حسینی مقدم. «تأثیر گرایش کارآفرینی بر عملکرد بانک‌ها با تأکید بر نقش میانجی بازاریگرایی (مطالعه موردی: بانک‌های دولتی و خصوصی استان گیلان)»، *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۶۶ (۱۳۹۲): ۴۴-۵۳.
- حسن‌زاده، علی، و مهدی کاظم‌نژاد. «مروری بر نقش بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران و برخی از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته»، *فصلنامه صنعت بیمه* ۱، شماره ۱ (۱۳۸۷): ۲۶۹-۲۳۱.
- ختایی، محمود، و سیدهدادی موسوی نیک. «اثر نوسان‌های نرخ ارز بر رشد اقتصادی با توجه به سطح توسعه بازارهای مالی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران* ۱۰، شماره ۳۷ (۱۳۸۷): ۱۹-۱.
- خداپرست مشهدی، مهدی، فلاحی، محمدعلی، و ناهید رجب‌زاده مغانی. «بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، *دوفصلنامه اقتصاد پولی و مالی* ۲۳، شماره ۱۱ (۱۳۹۵): ۴۵-۲۶.
- دادگر، یدالله، و روح‌الله نظری. «ارزیابی شاخص‌های توسعه مالی در ایران»، *اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران*، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸.
- دژپسند، فرهاد، و ریحانه بخارایی. «بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران بر اساس الگوی اقتصاد کلان پساکینزی»، *فصلنامه اقتصاد مالی* ۱۰، شماره ۳۴ (۱۳۹۵): ۹۲-۵۲.
- سلیمی فر، مصطفی، سبا مجتهدی، ملیحه حداد مقدم، و هدی زنده دل شهرنوی. «بررسی تأثیر تورم بر عملکرد بازارهای مالی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۲»، *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران* ۱، شماره ۲ (۱۳۹۱): ۱۷۷-۲۱۵.
- سینا، کرم، و پیام نادری. «بررسی اثر ریمیتانس بر توسعه مالی در ایران»، *مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار* ۹، شماره ۳۵ (۱۳۹۷): ۳۴۳-۳۶۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، و راضیه داوری کیش. «تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی ایران»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی* ۹، شماره ۳۰ (۱۳۹۴): ۴۷-۶۶.

- شاه‌آبادی، ابوالفضل، و حسین محمودی. «بررسی رابطه توسعه واسطه‌های مالی و ارزش افزوده بخش کشاورزی اقتصاد ایران»، نشریه *اقتصاد و توسعه کشاورزی* ۲۴، شماره ۴ (۱۳۸۹): ۴۹۶-۵۰۸.
- عاقلی، لطفعلی، بهرام سحابی، و نسرين صلح‌خواه. «تأثیر هزینه مبادله بر توسعه مالی در کشورهای منتخب اوپک»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی* ۱۷، شماره ۱ (۱۳۹۶): ۹۵-۱۲۰.
- کریمی تکالو، زهرا. «بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده بر کارآفرینی و اشتغال‌زایی بخش تعاون طی دوره (۱۳۸۹-۱۳۸۴)»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد کاربردی* ۱، شماره ۲ (۱۳۹۲): ۱۲۴-۱۰۷.
- نان‌فروش، مهدی، و منیره دیزجی. «تأثیر اندازه دولت و باز بودن تجاری بر توسعه مالی کشورهای منتخب جهان»، *فصلنامه اقتصاد کاربردی* ۶، شماره ۱۹ (۱۳۹۵): ۶۵-۷۶.

## ۲. لاتین

- Abubakar, Abdulsalam, & Ibrahim Musa Gani. "Impact of banking sector development on economic growth: Another look at the evidence from Nigeria", *Journal of Business Management & Social Sciences Research* 2, no. 4 (2013): 47-57.
- Abusharbeh, Mohammed. "The impact of banking sector development on economic growth: empirical analysis from Palestinian economy", *International Journal of Finance & Economics* 6, no. 2 (2017): 2306-2316.
- Alimi, Santos. "Inflation and financial sector performance: The case of Nigeria", *Timisoara Journal of Economics and Business* 7, no. 1 (2014): 55-69.
- Aluko, Olufemi, & Michael Adebayo Ajayi. "Determinants of banking sector development: Evidence from Sub-Saharan African countries", *Borsa Istanbul Review* 18, no. 2 (2018): 122-139.
- Arellano, Manuel, & Stephen Bond. "Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations", *Review of Economic Studies* 58, no. 2 (1991): 277-297.
- Arellano, Manuel, & Olympia Bover. "Another look at the instrumental-variable estimation of error-components models", *Journal of Econometrics* 68, no. 1 (1995): 29-51.
- Baltagi, Badi. *Econometric analysis of panel data*. New York: John Wiley & Sons Inc, 3rd Edition, 2005.
- Blundell, Richard, & Stephen Bond. "GMM estimation with persistent panel data: An application to production functions", *Econometric Reviews* 19, no. 3 (2000): 321-340.
- Carreea, Martin, & A. Roy Thurik. "The impact of entrepreneurship on economic growth", DOI 10.1007/978-1-4419-1191-9\_20. 2010.



- Castaño, María-Soledad, Méndez, María-Teresa, & Miguel-Ángel Galindo. "The effect of social, cultural, and economic factors on entrepreneurship", *Journal of Business Research* 68, no. 7 (2015): 1496-1500.
- Chen, Chih Cheng. "Entrepreneurship, economic growth, and employment: A case study of Taiwan", *Hitotsubashi Journal of Economics* 55, no. 1 (2014): 71-88.
- Cherif, Mondher, & Christian Dreger. "Institutional determinants of financial development in MENA countries", *Review of Development Economics* 20, no. 3 (2016): 670-680.
- Doran, Justin, McCarthy, Noirin, & Marie O'Connor. "The role of entrepreneurship in stimulating economic growth in developed and developing countries", *Cogent Economics & Finance* 6, no. 1 (2018): 1-14.
- Hamza, Syed Muhammad, & Khan. "Effect of banking sector performance in economic growth: Case study of Pakistan", *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences* 4, no. 7 (2014): 444-449.
- Jung, Woo. "Financial development and economic growth: International evidence", *Economic Development and Cultural Change* 34, no. 2 (1986): 333-346.
- Kasseeah, Harshana. "Investigating the impact of entrepreneurship on economic development: a regional analysis", *Journal of Small Business and Enterprise Development* 23, no. 3 (2016): 896-916.
- Khalaf, Ammar Hamad. "The determinates of financial development in Iraq", *Iranian Economic Review* 23, no. 1 (2019): 63-86.
- Levine, Ross, Norman Loayza, & Thorsten Beck. "Financial intermediation and growth", *Journal of Monetary Economics* 46, no. 1 (2000): 31-77.
- Nazar, Nida, Sara Ravan Ramzani, Temoor Anjum, & Imran Ahmed Shahzad. "Impact of entrepreneurial orientation of bank performance in Pakistan", *Business Management and Strategy* 9, no. 1 (2018): 290-309.
- Paun, Cristian Valeriu, Radu Cristian Musetescu, Vladimir Mihai Topan, & Dan Constantin Danuletiu. "The impact of financial sector development and sophistication on sustainable economic growth", *Sustainability* 11, no. 6 (2019): 1-21.
- Rivas Aceves, Salvador. R., & Chiara Amato. "Government financial regulation and growth", *Investigación Económica* 76, no. 299 (2018): 51-86.
- Robinson, Joan. *Generalization of the general theory in the rate of interest and other essays*. London: Mc Milan, 1952.
- Sleimi, Mohammad Tahseen. "Effects of risk management practices on banks' performance: An empirical study of the Jordanian banks", *Management Science Letters* 10, no. 2 (2020): 489-496.

- Tan, Yong. "The impacts of risk and competition on bank profitability in China", *Journal of International Financial Markets* 40, no. C (2016): 85-110.
- Touny, Mahmoud Abdelaziz. "Macroeconomic determinants of banking sector development: A comparison study between Egypt and Saudi Arabia", *Advances in Management & Applied Economics* 4, no. 3 (2014): 139-156.
- Wynn, Martin George, & Peter Jones. "Context and entrepreneurship in knowledge transfer partnerships with small business enterprises", *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation* 20, no. 1 (2019): 8-20.

